عید قربان در دوره محمد علیشاه

اوژن اوبن

وحیدا، فریدون

امسال عید قربان با بیست و پنجم‏ ژانویه مصادف بود.از دورهء شاهان‏ صفوی دربار ایران را رسم بر این است‏ که بدین مناسبت شتری قربانی میکنند و حال آنکه عوام الناس تنها بکشتن‏ نوشتهء:اوژن اوبن‏1

گوسفندی اکتفا میکنند.بعلاوه شاه‏ خود از اقدام بدین کار خودداری نموده‏ دیگری را بانجام آن مأمور میکند. از چند روز پیش از عید حیوانی را که‏ قرار است قربانی شود همراه با موزیک‏ و گروه مشایعین در شهر گردش میدهند صبح روز عید نیز حیوان بمنظور انجام آخرین گردش خود ارک را ترک‏ میکند.پیشاپیش حیوان اسبان تشریفات‏ در حالیکه افسارشان بدست قراولان‏ است و به طلا زینت یافته‏اند در حرکتند، دو گروه موزیک در طرفین مشغول‏ نواختن میباشند و دسته‏هائی از غلامان، فراشان و شاطران او را همراهی میکنند. شاطران لباسهائی برسم قدیم و منطبق‏ با توصیف شاردن (cHARDIN) قباهای قرمز به تن،زنگال سفید بپا و کلاهی بلند و باریک مزین به پر به سر دارند.شخصی که برای انجام قربانی‏ تعیین شده و همدستانش سوار بر اسب‏ جمعیت را دنبال میکنند.این شخص‏ که مأمور است بنام شاه مراسم را اجرا کند شاهزاده‏ایست قاجار؛جامه‏ای ابریشمین و سبزرنگ بتن دارد و شال‏ کشمیر قهوه‏ای رنگی را که همانروز بپاس خدمات سالانه خود از شاه دریافت‏ داشته است بروی سینه خود حمایل کرده است.نمایندگان اصناف مختلف‏ شهر که مأمورند بنام موکلین خود هریک سهمی از شتر قربانی دریافت دارند در حالیکه دستمالهای پهنی بدور گردن خود گره زده و بر مرکبهائی آراسته‏ سوارند با شتابی تمام در پس انبوه جمعیت روانند،مراسم در میدان نگارستان‏ برگزار میگردد.مردم در محل گرد آمده‏اند با شالهای سیاه و چادرهای‏ سفید.زنان روی سکوها و در طول دیوارها ردیف شده‏اند.درختان چنار که‏ برگهای خود را بزمستان داده‏اند از گروه تماشاچیان زینت یافته‏اند؛هوا ابریست و برف سبکی در حال ریزش است.شتر در میان میدان توقف میکند؛ پس از آنکه پوششهای سرخ رنگ را از پشتش برمیگیرند او را بزمین‏ می‏خوابانند.ازدحام وحشتناکی بوجود می‏آید و حاضرین درحالی‏که سر- و دست خود را آماج ضربات باتون خدمتگزاران پادشاهی و نگهبانان ساخته- اند چنان شلوغی براه می‏اندازند که همه چیز در آن ناپدید می‏شود.

چنین بنظر میرسد که سوار سرپوش با یک ضربه نیزه شرائین گلوی‏ حیوان را بریده است و همدستان او بدون فوت وقت به تکه‏تکه کردن آن‏ مشغولند.نمایندگان یکی پس از دیگری قسمتهائی را که مطابق مرسوم بهر یک‏ از اصناف اختصاص داده شده دریافت داشته در دستمالهای خود پیچیده‏اند. صنف نعلبندان سر شتر را دریافت میکنند و بنا بگفته مردم این امتیاز بدانجهت‏ است که در یکی از مراسم عید قربان نعلبندی تصادفا تصادفا کشته شده است.آن قسمت‏ از بدن حیوان که دارای نشان مخصوص مالک شتر میباشد به زنبورک باشی‏ که بر شتری سوار است مرحمت می‏شود؛گردن متعلق به نانوایان است و کوهان به گروه پالان‏دوزها داده میشود و بالاخره دستها سهم آهنگران و پاها نصیب کله‏پاچه‏فروشان میگردد.

سهم مأمور اجرا تنها پاره‏ای از گلوی حیوان میباشد که بر سر نیزه‏ قرار داه است و بعنوان دلیل بر انجام خدمتی که بعهده داشته است باید بشاه‏ نشان بدهد.با پایان یافتن کار تقسیم نگهبانان جمعیت را بحال خود میگذارند، در این هنگام مردم با شتاب خود را به باقیمانده حیوان رسانده انگلشتان‏ خود را به گل و خون آغشته کرده و برای تبرک به پیشانی خود میکشند.